

تأثیر ایدئولوژی بر تناسب کاربرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه ای ایالات متحدہ آمریکا (مطالعه موردی اعراب، اسرائیل)

مهرداد حلال خور¹ - محمد مهدی باباجان نژاد²

چکیده

تعریف منافع ملی بطور قابل توجهی تحت تاثیر خوانش های متفاوت از منفعت قرار دارد. لذا ایدئولوژی به عنوان یکی از متغیر های تاثیر گذار در عرصه سیاسی آمریکا، برای درک بیشتر تغییرات سیاست خارجی این کشور در بازه های زمانی مختلف و براساس تفاسیر مختلف از منافع ملی بسیار ضروری خواهد بود در این پژوهش بدنبال بررسی وزن این متغیر در دولتهای کلینتون و بوش و اوباما خواهیم بود تا دریابیم تغییر تناسب قدرت نرم و سخت در بازه زمانی ذکر شده در رابطه با درگیری های اعراب و فلسطین به چه دلیل متفاوت بوده است؟ در پژوهش میان رودوموضوع جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی این کشور و تناسب کاربرد قدرت نرم در قبال مسئله اعراب و فلسطین پیوند برقرار می شود.

1 کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران mehrdad_tiara@yahoo.com

2 دانشجوی دکتری فقه و اصول حوزه علمیه قم joonali88@yahoo.com

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، قدرت نرم، ایدئولوژی، نومحافظه کاری، اعراب، اسرائیل

مقدمه

هر کشوری سیاستهای خود را طبق یک سری حد و محدودی پیش می‌برد هرچند این سیاستها خوب یا بد بوده و آمریکا برای خود در سیاست خارجی اهدافی را دنبال می‌کند و برخی سیاستها را به نفع و برخی به ضرر خواهد بود و در مورد خاورمیانه، و در مورد برخی کشورها و گروه‌ها به ضرر آنها است مثل ایران، عراق، فلسطین، جنبش حزب الله لبنان، حماس، ولی در مورد برخی کشورها به ظاهر به نفع آنان خواهد بود مثل عربستان، قطر، امارات، کویت و برخی کشورهای دیگر، آمریکا با جاری کردن سیاست خود این کشورها را در حقیقت به یک معنا مستعمره خودش کرده است و

چارچوب نظری

در این پژوهش مفهوم ایدئولوژی از جایگاه مرکزی برخوردار خواهد بود. لذا در این بخش به دو مفهوم اصلی ایدئولوژی و قدرت نرم اشاره خواهیم نمود. ایدئولوژی از لحاظ سیاسی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. به بیان دقیق‌تر ایدئولوژی عبارتست از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی باشد. در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان را فراهم می‌آورد و بالاخره این عنصر تشکیل‌دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدفها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند. (قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، 1388) اندیشه‌های اشتراوس عبارتند از: اصل ملی‌گرایی تهاجمی، فریب و پنهانکاری، دشمن‌تراشی، دموکراسی قوی، تاکید بر مذهب، نظم منظومه‌ای و مطلق‌گرایی. (مستکین، 1384: 5). (عبدالمهدی مستکین، پیوند تئوری و عمل در تدوین سیاست خارجی بوش، مجلس و پژوهش (سال دوازدهم، شماره چهل و

هشتم، استان 1384) با توجه به تمایز این ایدئولوژی با تفکر درگیری و گسترش کلیتون و نیز مدیریت راهبردی چند جانبه اوباما از یک سو و نزدیکی ایدئولوژیک اوباما و کلیتون از سوی دیگر به بررسی تاثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی آمریکا در دوران کلیتون، بوش و اوباما در روند صلح خاور میانه می پردازیم.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای کلیتون

بعد از فروپاشی، به رغم تهدیدات امنیتی چند ساله نوعی بحران هویتی خاص، بر عرصه سیاستگذاری آمریکا مستولی شد و نرم افزارگرایی نقش ویژه ای در التیام بخشیدن به بحران هویتی ناظر بر سیاست خارجی آمریکا ایفا کرد. بعد از این هویت زدایی در سیاست خارجی آمریکا، از مفهوم دشمن و تغییر مفاهیم ژئوپولیتیکی از دشمن در سیاست خارجی آمریکا تمرکز اصلی در سیاست خارجی این کشور بر تعریف از هویت خود استوار بود و تغییراتی نیز در اهداف سیاست خارجی آمریکا و وسایل نیل به آن اهداف صورت گرفت. کلیتون مواضع انتخاباتی خویش را با نقد سیاست خارجی بوش پدر از زاویه سطح تقید به دموکراسی، حقوق بشر و اهتمام به رفع نیازهای اقتصادی داخلی آغاز کرد. جهت گیری کلی سیاست خارجی کلیتون در خاورمیانه در قالب دکترین مهار دو جانبه ایران و عراق پیگیری می شد این طرح بعدها سومین رکن خط مشی جدید جهانی «توسعه» آنتونی لیک گردید. منظور از توسعه، گسترش حاکمیت دموکراسی و بازار آزاد در بیشتر نقاط جهان که علاوه بر حفظ منافع رسمی آمریکا در خاورمیانه، دولتهایی مانند ایران و عراق را که تهدیدی برای آنان به حساب می آیند مهار می کند (امیر اسدیان، سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381، ص 136). براساس این طرح منطقه یاد شده به دو نیمه جغرافیایی شرق و غرب و بطور تلویحی به دو بخش کاملاً متقابل صلح (اعراب اسرائیل) و مهار (ایران و عراق) تقسیم می شود. اما قسمت غربی متشکل از اسرائیل و دولتهای عرب اطرافش عرصه صلح است. اساس این خط مشی آن است که این دو حیطه نفوذ از درون به هم وابسته اند. این پیوستگی زمانی آشکارتر می گردد که به رفتارهای ایران در حمایت از گروههای مقاومت فلسطینی که نقطه تعارض ایران و آمریکا و تهدید کننده امنیت اسرائیل بود توجه گردد. (حسینی متین، پایان

نامه جهت اخذ درجه دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص 125).

مسئله صلح فلسطین - اسرائیل

بیل کلیتون از بین روسای جمهور آمریکا بیشترین توجه را به مناقشه اعراب و اسرائیل را در روند صلح خاورمیانه داشت. اولین تلاش برای برقراری صلح در بین اسرائیل و فلسطین بعد از جنگ سرد به کنفرانس صلح مادرید که در 30 اکتبر 1991 برگزار شد بر می‌گردد. این مذاکرات بدلائیل مختلف از جمله مخالفت اسحاق شامیر نخست‌وزیر با پس دادن سرزمین‌های اشغالی و برگشتن به مرزهای 1967 موفق نبود. (علی‌اکبر جعفری، منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی: 1389: 141). اولین دستاورد جدی کلیتون در مذاکرات صلح به امضای پیمان اسلو در واشنگتن مربوط می‌شد. طبق قرارداد غزه-اریحا «اسلو 1» تحت عنوان صلح در برابر زمین دو طرف یکدیگر را به رسمیت شناختند در این توافقنامه حکومت خودگردان از داشتن ارتش مستقل، بودجه جداگانه، پول رایج، صادرات و واردات مستقل کالا محروم شده بود. هم‌ینطور آینده حکومت خودگردان، شهرک‌ها، مرزها و روابط مبهم بود در نتیجه قرارداد اسلو با چالش‌هایی مواجه شد به همین دلیل کلیتون قرارداد دوم اسلو را برنامه ریزی نمود. (انخبیر نوریانی غیائی، فراز و فرودهای فلسطین و زایش دولت اسرائیل آتش بس در غزه، قابل دسترسی در <http://www.acsf.af/articles> HTML/ahelasi1.html) در 24 سپتامبر 1995 قرارداد دوم اسلو در شهر طابا (مصر) بین طرفین امضا شد ولی سند نهایی آن در واشنگتن و میان عرفات و رابین امضا گردید طبق این قرارداد اسرائیل متعهد می‌شد حاکمیت تشکیلات خودگردان را بر شهرهای جنین، طولکرم، نابلس، قلمتیه، رام‌الله و بخشی از شهر الخلیل بپذیرد در عوض ساف نیز مفادی از منشور ملی فلسطین مبنی بر مقاومت تا نابودی اسرائیل را لغو کند. صلح کمپ دیوید در نهایت نیز آخرین تلاش کلیتون نیز در تابستان سال 2000 میان سران دولت اسرائیل و حکومت خودگردان فلسطین با حضور کلیتون رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد، در این مذاکرات ایهود باراک به نخست‌وزیری رسید و اسرائیل چهار مسئله را به عنوان خط قرمز خود برگزید و که عبارتند از

1- حاکمیت دائمی اسرائیل بر بیت المقدس 2- اسرائیل تحت هیچ شرایطی به مرزهای 1967 باز نمی گردد. 3- حکومت خودگردان اجازه داشتن ارتش ندارد. 4- شهرک های یهودی نشین در کرانه باختری و نوار غزه در اداره اسرائیل خواهند بود.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای بوش

گروه نومحافظه کار به همراه کابینه بوش به کاخ سفید راه پیدا کردند و بعد از بهانه 11 سپتامبر توانستند نظراتشان را در سند استراتژی امنیت ملی برای قرن بیست و یکم قالب بندی و اجرا کنند. و اما اصول سیاست خارجی بوش عبارت بوده است از: 1- یکجانبه گرایی: دولت بوش بر پایه یکجانبه گرایی در هشت ماهه اول حکومت خود، قرارداد ضد موشک بالستیک را لغو کرد. واشنگتن همچنین از یازده سپتامبر به بعد پیشنهاد سازمان ملل مبنی بر قطعنامه اعلام جنگ بر ضد تروریسم را نپذیرفت و در ازای آن ادعای دفاع گسترده از خود را عنوان کرد. علاوه بر این محافظه کاران از پیمان جامع منع آزمایش های هسته ای و همین طور نهادی که برای رسیدگی به پیمان سلاح های شیمیایی در حال شکل گیری بود حمایت نکردند.¹ مصطفی زهراوی، یازده سپتامبر، جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا، روندهای جدید بین المللی، محمدجواد ظریف، مصطفی زهرانی «تهران انتشارات وزارت امور خارجه، 1384» صص 16-17. 2- اقدامات پیشدستانه: این واژه در مقابل بازدارندگی بکار برده شد. از دید دولت آمریکا از آنجایی که گروه های تروریستی از عقلانیت برخوردار نیستند و بسرعت در حال افزایش هستند. در صورت دست یافتن به سلاح های کشتار جمعی تهدید مهمی را متوجه جهان خواهند کرد. ایالات متحده باید قادر باشد تا از احتمال حملات به منافع ایالات متحده جلوگیری کرده بویژه با انجام عملیات و حملات پیشدستانه مانع حمله احتمالی دولت های سرکش به آمریکا شود.² فتانه احدی، استراتژی مبارزه با سلاح های کشتار جمعی آمریکا. در کتاب آمریکا (7)، ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران 1384، ص 264.

3- تغییر رژیم: ریچارد هاس معتقد است تغییر رژیم یعنی حل و فصل چالش‌های موجود در سطح روابط با دولت مورد نظر به وسیله حذف یا برکناری رژیم مزبور و جایگزینی آن با رژیم دیگری که در مقایسه با رژیم قبلی از ویژگی‌های تهاجمی کمتری برخوردار است.

(Haas, Richard, "Regime Change and Its Limits". in: www.Foreign Affairs.org, 2005).

مسئله اعراب - اسرائیل

بوش از بدو ورود به کاخ سفید، موضع‌گیری‌های بسیار جانبدارانه خود را به سود اسرائیل آشکار کرد و در این مورد گفت: «تردید دارم که عرفات به مذاکره صادقانه با اسرائیل برای اجرای گزارش جرج مایکل تمایل داشته باشد و می‌باید ثابت کند که واقعاً به مذاکرات صلح و پایان دادن به خشونت معتقد است.»¹ تحولات جهان، شماره 11، صص 219-229. در این زمینه آمریکا و اسرائیل پنج گروه از کشورها را در منطقه خاورمیانه به عنوان متهمان تروریسم اعلام کردند که عبارتند از: الف- گروه‌های القاعده و طالبان. ب- دولت عراق (صدام حسین). پ- جنبش حزب الله لبنان. ت- حماس و جهاد اسلامی فلسطین. ث- ایران، سوریه، سودان به عنوان دولتهای حامی تروریسم (National Commission on Terrorist Attacks - upon the United State. op cit. 2004)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طرح خاورمیانه بزرگ و جایگاه اسرائیل در آن

در طرح خاورمیانه بزرگ اسرائیل یکی از برندگان اصلی منطقه‌ای در حوزه سیاسی، اقتصادی، و امنیتی است. می‌توان منابع مشترک آمریکا و اسرائیل در طرح خاورمیانه بزرگ را در طرح خاورمیانه بزرگ، تصاحب چاه‌های نفت، جنگ علیه تروریسم و خلع سلاح کشورهای به اصطلاح یاعی دانست. طرح نقشه راه و صلح فلسطین و اسرائیل: در جلسه مورخ 2003 شورای سازمان ملل به تصویب رسید. مقامات تشکیلات خودگردان پیشنهادت خود درباره این طرح را در قالب یک سند به کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در جریان دیدار با محمود عباس

در تاریخ 11 مه 2003 تحویل دادند. (Guardian Special Report . Georg w Bush s). در مرحله اول این طرح از تشکیلات خودگردان خواسته شده دوباره حق وجود و امنیت دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته و فوراً انتفاضه و مقاومت را در سراسر فلسطین متوقف سازد و به آشوبگری ها علیه اسرائیل پایان دهد. مرحله دوم از ژوئن 2003 تا دسامبر 2003، در این مرحله کنفرانس بین المللی برای آغاز مذاکرات در مورد احتمال تاسیس دولت فلسطین با مرزهای موقت تا پایان سال 2003 تشکیل می شود. علاوه بر آن روابط میان اسرائیل و اعراب به سطح روابط قبل از انتفاضه توسعه می یابد. مرحله سوم از سال 2004 تا 2005 بوده است. کنفرانس بین المللی سوم برای نظارت بر گفتگو میان تشکیلات خودگردان و اسرائیل تشکیل می گردد در این کنفرانس در مورد توافق دائمی و نهایی که لازم است تا پایان 2005 به نتیجه برسند بحث می شود. و نیز مسایل مربوط به مرزها، قدس، شهرک ها و سپس روابط میان عرب ها و اسرائیل مورد بررسی قرار می گیرد. (هویدا فهمی، طرح نقشه راه، دسیسه جدید دشمنان اسلام، قابل دسترس در سایت نمایندگی فلسطین در تهران، 30 می 2003) در نهایت با اطمینانی که رژیم اسرائیل به کمک های آمریکا داشت، با خیال راحت از پذیرش تصمیمات این طرح و بیانیه خودداری کرد و این خودداری همراه بود با قصد آمریکا برای پس گرفتن این طرح و در نهایت این طرح به زباله دادن تاریخ سپرده شد و بار دیگر یکجانبه گرایی آمریکا در حمایت از اسرائیل در برابر فلسطین با حمله این کشور به فلسطین عینیت پیدا کرد. در این مدت دولت بوش بیشتر انرژی خود را در خاورمیانه صرف سرکوب شورشیان در عراق و از سوی دیگر درگیری با ایران بر سر برنامه هسته ای این کشور کرده بود. اما بوش در اواخر دوران ریاست جمهوری خود در 2008 به چند دلیل به تحولات صلح فلسطین - اسرائیل و کشمکش های شصت ساله این گروهها با هم علاقمند شد.

سیاست خارجی کلان و خاورمیانه ای اوباما

سیاست خارجی کلان اوباما در چارچوب استراتژی چند جانبه گرایی راهبردی طرح ریزی شد که با در نظر گرفتن شعار "تغییر" در شعار های انتخاباتی اوباما به نوعی عبور از تفکر یکجانبه

گرایی و برتری طلبی مطلق نو محافظه کاران محسوب می‌شد. بر این اساس آمریکا تمایل به استفاده از ظرفیت های سیاست خارجی چند جانبه گرا در سطح بین المللی نشان داد و تلاش نمود تا این تفکر راهبردی را در سیاست خارجی خاورمیانه ای خود نیز دنبال کند. با رخ دادن حوادث بیداری اسلامی و تغییر متغیر های منطقه ای، نگاه اواما به کنترل این جریان های اسلامی در کشور های پیرامونی اسرائیل منجر به شکل دهی به سیاست خارجی خاورمیانه ای آمریکا شد. مسائل پیش روی سیاست خارجی آمریکا پیش از شروع بیداری اسلامی عبارت بوده اند از: الف) روند صلح در خاورمیانه، ب) عراق و ایران و ج) پاکستان و افغانستان .

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=01&depId=44&semId=389>
(سیاست خاورمیانه‌ای اواما) اواما بلافاصله بعد از انتخاب و در هفته اول ماموری ویژه برای بررسی وضعیت منازعه فلسطین و اسرائیل مشخص کرد. بنابر استراتژی تغییر اواما در اوایل ریاست جمهوری او با تکیه بر بی طرفی، انتقاد از رژیم اسرائیل و حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی تصمیم بر ارائه تصویری متفاوت از آمریکا در منطقه خاورمیانه داشت.

Zaharna, R.S, Public Diplomacy Through the Looking Glass: Obama U.S. Public Diplomacy and Islamic World, Symposium on Old and New Media, and the Changing Faces of Islam, sponsored by Religion, Media and International Studies Project, Syracuse University, 2009. P.50 at: www.american.edu/soulfaulty/upload/public-diplomacy-Through-The-looking-Glass

اواما با گذار از ایده های اولیه سیاست خارجی اش و تحت تاثیر جریان بیداری اسلامی که احساس تهدید جدی برای امنیت اسرائیل را ایجاد کرد کوتاه آمد.

نتیجه گیری

ما در ابتدا با تعریف ایدئولوژی درمی یابیم که قدرتهای بزرگ با این نگاه راهبرد خود را دنبال می‌کردند و چون مقاله حاضر در باب اسرائیل و اعراب است عمل قدرتهای بزرگ خصوصا آمریکا را میبینیم که در دوران کلیتون بدنبال نقد سیاست بوش پدر بود و در سیاست خارجی بدنبال منافع اسرائیل آن هم با صلح

میان اعراب و اسرائیل بود... و بعد آن بوش به بهانه ۱۱ سپتامبر راهی را باز کرد تا در سیاست خارجی دیگران را همراه کند و او دو چیز را مد نظر داشت: 1- یکجانبه گری 2- اقدامات پیشدستانه را 3- تغییر رژیم را برای رسیدن به هدف بکار برد و بعد آن او با ما به بهانه تغییر توانست برخی مسائل را بنفع خود کند ولی او مشکلاتی پیش رو داشت 1- صلح خاورمیانه که بین اعراب و اسرائیل بود 2- ایران و عراق 3- افغانستان و پاکستان و او نتوانست به آن خاورمیانه بزرگ با محوریت اسرائیل دست پیدا کند

منابع

- قوام، عبدالعلی. (1388)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.
- مستکین، عبدالمهدی. (1384)، پیوند تئوری و عمل در تدوین سیاست خارجی بوش، مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره چهل و هشتم، استان
- امیر اسدیان. (1381)، سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص 136.
- حسینی متین، پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص 125
- علی اکبر جعفری. (1389)، منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی: 141.
- انخبیر نوریانی غیاثی، فراز و فرودهای فلسطین و زایش دولت اسرائیل آتش بس در غزه، قابل دسترسی در <http://www.acsf.af/articles HTML/ahelasi1.html>
- مصطفی زهراوی. (1384)، یازده سپتامبر، «جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا، روندهای جدید بین المللی»، محمدجواد ظریف، مصطفی زهرانی تهران انتشارات وزارت امور خارجه، صص 16-17).

فتانه احدی. (1384)، استراتژی مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی آمریکا. در کتاب آمریکا (7)، ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ص 264

تحولات جهان، شماره 11، صص 219-229.

National Commission on Terrorist Attacks upon the United State .op cit.
2004

-Guardian Special Report . Georg w Bush s Speech to the American
Enterprise Institute : the Futher of

هویدا فهمی. (2003)، طرح نقشه راه، دسیسه جدید دشمنان اسلام، قابل دسترس در سایت
نمایندگی فلسطین در تهران.

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=01&depid=44&semid=389>

(سیاست خاورمیانه‌ای اوباما)

